



Islamic Maaref University

Scientific Journal

## PAZHUHESH NAME-E AKHLAQ

Vol. 18, Summer 2025, No. 68

### Pride and Passivity in the Resistance Front: A Theoretical Model and Management Strategy

Abbas Pasandideh<sup>1</sup> \ Reza Jafari<sup>2</sup>

1. Full Professor, Department of Hadith, Quran and Hadith University, Qom, Iran.

*pasandide@qhu.ac.ir*

2. PhD Student, Teaching the Islamic Ethics, Islamic Maaref University,  
Qom, Iran (Corresponding Author).

*rezajafari128@gmail.com*

Abstract Info	Abstract
<b>Article Type:</b> Research Article	The core problem of this research is that pride and passivity are two significant psychological phenomena that profoundly impact the sustainability and destiny of the Resistance Front. Using a qualitative method and content analysis approach, this study designs a theoretical model to analyze the components and formation mechanisms of these phenomena and offers management strategies. The findings show that pride, characterized by components such as negligence of truth, overconfidence, and cognitive errors, disrupts strategic analysis. Conversely, passivity, stemming from external pressures and internal despair, leads the resistance to stagnation; the destructive interaction of these two forms a cycle of failure. Consequently, the strategy of Monotheistic Resistance, emphasizing the Divine Will, plays a key role in managing pride and transforming despair into hope. The Quranic model of <i>Tasbih</i> (Glorification) and <i>Istighfar</i> (Seeking Forgiveness) also provides a fundamental and effective mechanism for controlling these challenges and ensuring the cohesion and sustainable success of the Resistance Front by redirecting attention to Divine power and acknowledging shortcomings.
<b>Received:</b> 2025/02/21	
<b>Accepted:</b> 2025/06/28	
<b>Keywords</b>	Resistance Front, Monotheistic Perspective, Theoretical Model, Pride Management, Passivity Management.
<b>Cite this article:</b>	Pasandideh, Abbas & Reza Jafari (2025). Pride and Passivity in the Resistance Front: A Theoretical Model and Management Strategy. <i>Pazhuhesh Name-E Akhlaq</i> . 18 (2). 75-94. DOI: ??
<b>DOI:</b>	
<b>Publisher:</b>	Islamic Maaref University, Qom, Iran.

## الغرور والانفعال في جبهة المقاومة: الإطار النظري وآليات إدارتهما

عباس بسنديده<sup>١</sup> / رضا جعفري<sup>٢</sup>

١. أستاذ، قسم الحديث، جامعة القرآن والحديث، قم، إيران.

[pasandide@qhu.ac.ir](mailto:pasandide@qhu.ac.ir)

٢. طالب دكتوراه، قسم تدريس الأخلاق الإسلامية، جامعة المعارف الإسلامية، قم، إيران (الكاتب المسؤول).

[rezajafari128@gmail.com](mailto:rezajafari128@gmail.com)

ملخص البحث	معلومات المادة
يبحث هذا المقال في ظاهرتي الغرور والانفعال بوصفهما عاملين نفسيين مؤثرين في استدامة جبهة المقاومة ومصيرها. وبمنهج كفي قائم على تحليل المحتوى، جرى تصميم نموذج نظري يوضح مكونات هاتين الظاهرتين وآليات تشكيلهما وسبل إدارتهما. وتُظهر النتائج أن الغرور، من خلال الغفلة عن الحقيقة والثقة المفرطة بالذات، يُخلّ بالتحليل الاستراتيجي، في حين يؤدي الانفعال الناتج عن الضغوط الخارجية واليأس الداخلي إلى الجمود. ويخلص البحث إلى أن نموذج المقاومة التوحيدية، مع التركيز على الإرادة الإلهية، يمثل إطاراً فاعلاً في إدارة الغرور وتحويل اليأس إلى أمل، وأن النموذج القرآني القائم على «التسييح والاستغفار» يوفر آلية عملية لضبط هذه التحذيات.	نوع المقال: بحث تاريخ الاستلام: ١٤٤٦/٠٨/٢٢ تاريخ القبول: ١٤٤٧/٠١/٠٢
جبهة المقاومة، الرؤية التوحيدية، النموذج النظري، إدارة الغرور، إدارة الانفعال.	الألفاظ المفتاحية
بسنديده، عباس و رضا جعفري (١٤٤٧). الغرور والانفعال في جبهة المقاومة: الإطار النظري وآليات إدارتهما. مجلة علمية النشرة الاخلاقية. ١٨ (٢). ٩٤-٧٥. DOI: ??	الاقتباس:
??	رمز DOI:
جامعة المعارف الإسلامية، قم، إيران.	الناشر:



# پژوهش‌نامه اخلاق

نشریه علمی

سال ۱۸، تابستان ۱۴۰۴، شماره ۶۸

## غرور و انفعال در جبهه مقاومت؛ الگوی نظری و شیوه مدیریت آن

عباس پسندیده<sup>۱</sup> / رضا جعفری<sup>۲</sup>

۱. استادتمام، گروه حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران.

*pasandide@qhu.ac.ir*

۲. دانشجوی دکتری، مدرسی اخلاق اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).

*rezajafari128@gmail.com*

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی (۹۴ - ۷۵)	مسئله اصلی این پژوهش آن است که غرور و انفعال دو پدیده روان‌شناختی مهم‌اند که تأثیر عمیقی بر پایداری و سرنوشت جبهه مقاومت دارند. این پژوهش، با روش کیفی و رویکرد تحلیل محتوا، به طراحی الگویی نظری برای تحلیل مؤلفه‌ها، مکانیسم شکل‌گیری و ارائه راهبردهای مدیریتی این دو پدیده می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد غرور با مؤلفه‌هایی چون غفلت از حقیقت، اعتماد افراطی به خویشتن و خطای شناختی تحلیل راهبردی را مختل می‌سازد. درمقابل، انفعال، که از فشارهای بیرونی و یأس درونی نشئت می‌گیرد، مقاومت را به رکود می‌کشانند و تعامل مخرب این دو چرخه‌ای از ناکامی را شکل می‌دهد. در نتیجه راهبرد مقاومت توحیدی، با تأکید بر اراده الهی، نقشی کلیدی در مدیریت غرور و تبدیل یأس به امید دارد. الگوی قرآنی «تسبیح و استغفار» نیز، با بازگرداندن توجه به قدرت الهی و پذیرش کاستی‌ها، سازوکاری بنیادین و مؤثر برای کنترل این چالش‌ها و تضمین انسجام و موفقیت پایدار جبهه مقاومت ارائه می‌دهد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۳	جبهه مقاومت، نگاه توحیدی، الگوی نظری، مدیریت غرور، مدیریت انفعال.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۷	پسندیده، عباس و رضا جعفری (۱۴۰۴). غرور و انفعال در جبهه مقاومت؛ الگوی نظری و شیوه مدیریت آن. پژوهشنامه اخلاق، ۱۸ (۲)، ۹۴ - ۷۵. DOI: ??
واژگان کلیدی	DOI: ??
استناد:	ناشر:
کد DOI:	دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

## طرح مسئله

یکی از مسائل بنیادینی که در پایداری و موفقیت جبهه مقاومت تأثیر مستقیم دارد نحوه مدیریت آسیب‌های روانی و معنوی است که در شرایط خاص مقاومت، به‌ویژه پس از پیروزی‌ها یا شکست‌ها، ظاهر می‌شوند. در این میان، دو پدیده مجزا اما مرتبط، یعنی «غرور» و «انفعال»، با تأثیرگذاری عمیق بر رفتار و تصمیم‌گیری‌های فردی و جمعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌گیری جبهه مقاومت به سمت پیشرفت یا رکود دارند. این دو پدیده در بستر مقاومت، نه تنها به‌عنوان پدیده‌های کلی روان‌شناختی، بلکه به‌عنوان آسیب‌های خاصی که در پی موفقیت‌ها یا در واکنش به شکست‌ها و فشارهای بیرونی و درونی تشدید می‌شوند اهمیت مضاعفی پیدا می‌کنند. این ویژگی‌های نفسانی قابلیت بازتاب و تأثیرگذاری مخرب در سطح یک جریان و جبهه جمعی را دارند.

همان‌طور که قرآن کریم در آیاتی نظیر «لَا يَغْرَبْكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ» (لقمان / ۳۳) به هشدارهای جمعی درباره غرور، و آیه «وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ» (یوسف / ۸۷) بر عدم یأس و ناامیدی (گونه‌ای از انفعال) اشاره دارد، این پدیده‌ها می‌توانند در سطح یک جبهه و جامعه نیز بروز یابند. این بدان معناست که «غرور» و «انفعال»، فراتر از بعد فردی، قابلیت تسری و تأثیرگذاری بر روحیه جمعی، تصمیم‌گیری‌های راهبردی و رفتار کلی یک مجموعه مقاومتی را دارا هستند.

«غرور»، با تمرکز افراطی بر دستاوردها و ایجاد احساس برتری کاذب، می‌تواند قدرت تحلیل راهبردی را کاهش دهد و آمادگی در برابر تهدیدات جدید را تضعیف کند. «انفعال»، از سوی دیگر، با ایجاد حس یأس و ناتوانی، انگیزه لازم برای ایستادگی و خلاقیت در مقابله با چالش‌ها را از بین می‌برد. این دو پدیده، در تعامل با یکدیگر، می‌توانند زنجیره‌ای از اعتمادبه‌نفس کاذب، شکست و رکود را شکل دهند که پایداری جبهه مقاومت را به‌شدت تهدید می‌کند.

مقاومت به معنای انتخاب مسیری حق و درست از سوی فرد یا جامعه و حرکت در آن با عزم و اراده‌ای پایدار است؛ به‌گونه‌ای که هیچ مانعی قادر به متوقف ساختن آن نباشد (بیانات رهبری، ۱۳۹۸/۳/۱۴). در همین راستا، جبهه مقاومت، به‌عنوان یک مفهوم راهبردی، به معنای ایستادگی آگاهانه و مستمر در برابر سلطه و استکبار است. جبهه مقاومت دارای ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی است (مهدی‌پور، ۱۳۹۸: ۵۶۴). بعد سیاسی آن بر مقابله با سلطه‌جویی و تلاش برای حفظ استقلال سیاسی تأکید دارد. بعد فرهنگی بر حفظ ایمان، هویت دینی و مقابله با تهاجم فرهنگی دشمنان متمرکز است. بعد اقتصادی راهبردهایی برای کاهش وابستگی به بیگانگان و تقویت بنیان‌های داخلی ارائه می‌دهد. بعد نظامی نیز ایجاد توان بازدارندگی و حفظ آمادگی دفاعی را دنبال می‌کند. این ابعاد، به صورت هماهنگ،

اهداف اصلی مقاومت راه، که شامل مقابله با ظلم، استقلال و دستیابی به عزت است، دنبال می‌کند. انتخاب این دو پدیده (غرور و انفعال) از میان سایر آسیب‌های احتمالی به دلیل اهمیت راهبردی و همچنین تصریح خاص رهبر معظم انقلاب در خصوص آنهاست. ایشان، به‌عنوان یک کارشناس برجسته و سیاست‌مدار هوشمند، در تحلیل وضعیت جبهه مقاومت، به‌روشنی به این دو گانه حیاتی اشاره فرموده‌اند: در پیشرفت‌ها و موفقیت‌ها «غرور» سم است؛ در ناکامی‌ها و مشکلات «انفعال» زهر است. باید مراقب این دو باشیم (بیانات رهبری، ۱۴۰۳/۹/۲۱).

این تأکیدات نشان‌دهنده لزوم هوشیاری و برنامه‌ریزی ویژه در مواجهه با این دو چالش بنیادین در مسیر مقاومت است.

پرسش کلیدی این است که الگوی نظری «غرور» و «انفعال» چیست و چگونه در بستر جبهه مقاومت قابل تبیین است؟ این دو پدیده چگونه در مواجهه با دستاوردها یا چالش‌های خاص شکل می‌گیرند؟ چه عواملی به تقویت یا تضعیف آنها دامن می‌زنند؟ و چگونه می‌توان با استفاده از آموزه‌های دینی، الگویی برای مدیریت این دو آسیب در جبهه مقاومت طراحی کرد؟ پاسخ به این پرسش‌ها برای ارائه الگوی نظری جامعی به‌منظور مدیریت روانی و معنوی جبهه مقاومت در مواجهه با چالش‌های پیش رو ضروری است.

با وجود مطالعات متعدد درباره ابعاد مختلف مقاومت، از جمله کتب *اندیشه مقاومت از منظر حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای*<sup>۱</sup>، *طرح کلی اندیشه مقاومت*<sup>۲</sup> و *مقاومت در اسلام؛ نظریه و الگو*<sup>۳</sup> و همچنین مقالاتی همچون «تبیین مدل مفهومی مقاومت در اندیشه آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای»<sup>۴</sup> و «شناسایی شاخص‌های مقاومت اسلامی و تأثیر آن بر تمدن نوین اسلامی»<sup>۵</sup>، در ادبیات موجود، به بررسی سازوکارهای شکل‌گیری غرور و انفعال در بستر مقاومت و تعامل آنها پرداخته نشده است. علاوه بر این، پژوهش‌های پیشین فاقد الگوی نظری جامع برای تبیین این پدیده‌ها و ارتباط آنها با شرایط جبهه مقاومت‌اند. در نتیجه، خلأی قابل توجه در تحلیل این مفاهیم و تدوین چهارچوبی نظری برای بررسی ابعاد غرور و انفعال در بستر مقاومت وجود دارد.

۱. صلح میرزایی، سعید (۱۳۹۸). *اندیشه مقاومت از منظر حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای*. تهران: انقلاب اسلامی.

۲. مهدیان، علی (۱۳۹۹). *طرح کلی اندیشه مقاومت*. تهران: سفیر صادق.

۳. افتخاری، اصغر (۱۳۹۹). *مقاومت در اسلام؛ نظریه و الگو*. تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.

۴. مهدی‌پور، آسیه (۱۳۹۸). تبیین مدل مفهومی مقاومت در اندیشه آیت‌الله سید علی خامنه‌ای. *دانش سیاسی*. ۱۵ (۴). ۵۶۶ - ۵۳۹.

۵. قاسمی، بهزاد (۱۴۰۱). شناسایی شاخص‌های مقاومت اسلامی و تأثیر آن بر تمدن نوین اسلامی. *مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*. ۵ (۳). ۳۳۲ - ۳۱۷.

این پژوهش از نوع کیفی و مبتنی بر روش کتابخانه‌ای با رویکرد تحلیل محتواست. بدین منظور، مراحل انجام پژوهش در چند گام پیوسته سامان‌دهی شده است: در گام نخست، مفهوم‌شناسی غرور و انفعال با هدف روشن‌سازی ریشه‌های لغوی و اصطلاحی این دو مفهوم صورت گرفت؛ در گام دوم، بر پایه مؤلفه‌های معنایی این دو پدیده و همچنین داده‌های استخراج‌شده از سایر متون، الگوی نظری اولیه تدوین شد. این الگو از طریق تلفیق و ترکیب منشأ بروز هر یک و مؤلفه‌های اثرگذار در آنها شکل گرفت و روابط علی میان این مؤلفه‌ها و شرایط مختلف بروز آنها تحلیل شد. در این مرحله، با ترکیب و تلفیق داده‌ها، چهارچوب مفهومی غرور و انفعال استخراج شد؛ در گام سوم، تعامل غرور و انفعال با تحلیل فرایند شکل‌گیری و تقویت آنها بررسی شد و بر اساس زنجیره علی، سازوکار ارتباطی و سیستم یکپارچگی این دو پدیده ترسیم شد؛ در گام پایانی، با استناد به آموزه‌های توحیدی، راهبردهای مدیریت غرور و انفعال به‌ویژه از منظر الگوی قرآنی تسییح و استغفار ارائه شد.

در طول این پژوهش، بر توجه به بیانات مقام معظم رهبری و بررسی نمونه‌های تاریخی، به‌ویژه شواهد قرآنی، در راستای تطبیق و انضمامی‌سازی یافته‌های پژوهش بر بستر جبهه مقاومت تأکید شد. هدف اصلی این است که رهبران و تصمیم‌گیران مقاومت، با درک بهتر این دو پدیده، بتوانند راهکارهایی مؤثر برای پیشگیری از آسیب‌های ناشی از آنها را به کار گیرند.

## مفهوم‌شناسی

درک صحیح از مفاهیم کلیدی پیش‌نیاز هر تحلیل علمی و نظری است. غرور و انفعال، به‌عنوان دو پدیده مهم فردی و اجتماعی، دارای ابعاد متنوع و پیچیده‌ای هستند که در شرایط مختلف، نقش‌های متفاوتی ایفا می‌کنند. این مفاهیم، علاوه بر تأثیرات فردی، در سطح اجتماعی و سیاسی نیز اثرگذارند و می‌توانند مسیر حرکت یک جامعه را تعیین کنند. برای تبیین دقیق‌تر این پدیده‌ها، لازم است ابتدا ریشه‌های لغوی، معانی اصطلاحی و ابعاد آنها بررسی شود. این بخش از پژوهش با تحلیل معناشناسانه چهارچوبی برای فهم غرور و انفعال ارائه می‌دهد و زمینه را برای تدوین الگوی نظری این دو پدیده فراهم می‌سازد.

### ۱. مفهوم‌شناسی غرور و مؤلفه‌های آن

واژه «غرور» از ریشه «غ ر ر» مشتق شده و به معنای فریب و غفلت ناشی از ظواهر دنیوی است. این واژه به حالتی اشاره دارد که تمرکز بیش‌ازحد بر ظواهر موجب غفلت از حقیقت و باطن امور می‌شود (ابن فارس، بی‌تا: ۶۰۴).

در تعاریف دیگر، غرور به هر چیزی که انسان را می‌فریبد و به غفلت می‌اندازد، خواه این امور شامل

مال، مقام، دانش یا شهوت باشند، اشاره دارد (زییدی، ۱۴۱۴ ق: ۱۵ / ۱۵۹). این واژه همچنین به امری با ظاهر جذاب، اما باطنی تاریک و فریبنده تعبیر شده و به سرابی تشبیه می‌شود که ظاهراً امیدبخش است، اما سرانجام ناکامی به همراه دارد (طریحی، ۱۳۷۵: ۳ / ۴۲۱).

غرور حالتی است که فرد، به دلیل عواملی مانند قدرت یا دانایی ظاهری، از حقیقت فاصله بگیرد. این مفهوم نوعی خطای شناختی است که ناشی از جاذبه‌های دنیوی است و باعث می‌شود انسان به باورهای نادرست دچار شود و از درک حقیقت بازماند (راغب اصفهانی، بی تا: ۷۴۰؛ ابن سیده، بی تا: ۵ / ۳۶۰). به‌طور کلی، غرور در لغت به معنای فریفتگی و غفلت است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۷ / ۲۰۷). این غفلت، که بر اثر عواملی با ظاهر زیبا و فریبنده رخ می‌دهد، انسان را از درک حقیقت بازمی‌دارد.

در متون اخلاقی، غرور حالتی درونی است که در آن فرد، به دلیل نادانی یا وسوسه‌های شیطانی، خود را در مسیر صلاح و سعادت می‌پندارد، درحالی‌که در واقع در اشتباه است. غرور نوعی اعتماد به نفس کاذب و نادرست است که معمولاً از جهالت و خودبینی ناشی می‌شود (فیض کاشانی، ۱۴۱۷: ۶ / ۲۹۲). این حالت زمانی پدید می‌آید که انسان، بر اثر هوای نفس، خود را بی‌عیب و نقص ببیند (دیلمی، ۱۳۸۰: ۱۰۴). غرور همچنین از حب نفس و خودخواهی ناشی می‌شود. در این وضعیت، فرد عیوب و نقایص خود را نمی‌بیند و آنها را کمال می‌پندارد (موسوی خمینی، ۱۳۸۲: ۱۳۱). از این منظر، غرور نه تنها به معنای فریب‌خوردگی از دیگران، بلکه به معنای فریب دادن خود نیز تعبیر می‌شود.

غرور، بر اساس تحلیل‌های لغوی و اخلاقی، پدیده‌ای چندبعدی است که در سطوح شناختی، روانی و رفتاری اثرگذار است و فرد را از حقیقت دور می‌سازد. با تحلیل دیدگاه‌ها، سه مؤلفه کلیدی برای غرور قابل شناسایی است:

#### یک. ظاهر فریبنده و غفلت از حقیقت

غرور، با ظاهری جذاب و فریبنده، توجه فرد را به جلوه‌های سطحی و ظواهر امور محدود می‌کند و از تحلیل عمقی و درک باطن مسائل بازمی‌دارد. این ظاهر فریبنده می‌تواند در قالب‌هایی چون ثروت، علم، قدرت یا تقدس دینی نمود پیدا کند و فرد را به شناختی سطحی و ناقص از واقعیت سوق دهد. این حالت ناتوانی در شناخت ضعف‌ها، تهدیدها و محدودیت‌های خویش را در پی دارد و بینش فرد را به خود و محیط پیرامون مختل می‌سازد. بنابراین، این مؤلفه نشان‌دهنده نقص در شناخت و درک عمیق واقعیت‌ها به دلیل تمرکز بر جلوه‌های سطحی و تحلیل ناقص است.

#### دو. اعتماد افراطی به خویشتن و خودبسندگی

غرور با نوعی اعتماد بیش‌ازحد و کاذب به توانایی‌ها، دستاوردها یا جایگاه فرد همراه است. این اعتماد

افراطی فرد یا گروه را از پذیرش راهنمایی‌ها، مشورت با دیگران و بهره‌مندی از تجربیات بیرونی بازمی‌دارد. این مؤلفه از حب نفس و وسوسه‌های درونی ناشی، و به خودبسندگی و بی‌نیازی از دیگران منجر می‌شود.

### سه. خطای شناختی و توهم برتری

غرور برآمده از باورهای نادرست و تحریف‌شده است که فرد را به این توهم می‌رساند که در مسیر صحیحی قرار دارد، درحالی‌که واقعیت خلاف آن است. این خطای شناختی باعث می‌شود فرد خود را بالاتر از دیگران ببیند و نیاز به اصلاح رفتار یا تغییر نگرش را احساس نکند. این مؤلفه به بعد روان‌شناختی غرور مرتبط است که با ایجاد توهم برتری، فرد را از پذیرش واقعیت و تغییر بازمی‌دارد.

### ۲. مفهوم‌شناسی انفعال و مؤلفه‌های آن

واژه «انفعال» از ریشه «ف ع ل» مشتق شده و به معنای تأثیرپذیری و تغییر بر اثر یک عامل خارجی است. این مفهوم وضعیتی را توصیف می‌کند که در آن فرد یا شیء در برابر کنش‌های محیطی یا محرک‌های بیرونی واکنشی عاطفی، جسمانی یا روانی نشان می‌دهد (زبیدی، ۱۴۱۴ ق: ۱۵ / ۵۸۵؛ جرجانی، ۱۳۷۰: ۱۷ / ۱۲۰؛ احمدنگری، ۱۳۹۵ ق: ۱ / ۲۰۴). ابن‌فارس انفعال را حالتی از مطاوعه می‌داند که نشان‌دهنده تأثیرپذیری فرد یا شیء از کنش یا فعل دیگری است (ابن‌فارس، بی‌تا: ۴ / ۱۳۵). راغب این واژه را به حالتی نسبت می‌دهد که در آن فرد تحت تأثیر مستقیم رویدادهای بیرونی قرار می‌گیرد و احساسات یا واکنش‌هایی چون خشم، اندوه یا هیجان در او ایجاد می‌شود (راغب اصفهانی، بی‌تا: ذیل ماده فَعَل).

یکی از جنبه‌های کلیدی در معناشناسی انفعال تقابل آن با مفهوم فعل است. فعل به معنای کنش فعالانه و ارادی است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۹ / ۱۱۵)، درحالی‌که انفعال به معنای واکنش‌پذیری و تأثیر گرفتن از عوامل بیرونی است (مطهری، ۱۴۰۱: ۱ / ۳۸). این دو مفهوم نمایانگر دو حالت متضاد، اما مکمل در رفتار انسانی‌اند: درحالی‌که فعل نشانه کنشگری و تغییر محیط است، انفعال به پذیرش تأثیر محیط و واکنش به آن اشاره دارد.

این تقابل در روان‌شناسی نیز به‌وضوح دیده می‌شود، جایی که افراد فعال با رفتار کنشگرانه به کنترل شرایط تمایل دارند، اما افراد منفعل تحت تأثیر محیط قرار می‌گیرند و رفتار منفعلانه یا انفعالی شکل می‌گیرد. درنهایت، انتقال از انفعال به فعل یا برعکس نقشی کلیدی در نوع تعامل فرد با محیط دارد. از منظر روان‌شناختی، انفعال ارتباط نزدیکی با یأس و ناامیدی دارد: وقتی فرد در برابر عوامل منفی

تنها واکنش نشان دهد و نتواند به کنشی مثبت و فعالانه دست بزند، این حالت می‌تواند به یأس و رکود منجر شود. یأس حالتی از انفعال مزمن است که در آن فرد احساس ناتوانی برای تغییر وضعیت و بی‌توجهی به آن دارد (فیض کاشانی، ۱۴۱۷ ق: ۷ / ۲۵۲). برای مثال، فردی که در برابر شکست فقط احساس اندوه و خشم نشان دهد و از تلاش برای اصلاح وضعیت اجتناب کند در مسیر انفعال به یأس گرفتار می‌شود. با تداوم عوامل منفی، این روند شدت می‌یابد و فرد را از بازگشت به حالت کنشگری بازمی‌دارد.

بر اساس معناشناسی انفعال، سه مؤلفه کلیدی آن، که در رفتار فردی و جمعی مشاهده می‌شود، عبارت‌اند از:

۱. تأثیرپذیری و تغییر: مهم‌ترین مؤلفه انفعال تأثیرپذیری است. در این حالت، فرد یا شیء به دلیل وجود یک عامل خارجی (فیزیکی، عاطفی یا اجتماعی) دچار تغییر یا واکنش می‌شود. این تأثیرپذیری می‌تواند مستقیم یا غیرمستقیم باشد و به صورت تغییر در حالت عاطفی یا رفتار فرد بروز پیدا کند؛

۲. هیجان و واکنش احساسی: دومین مؤلفه انفعال ارتباط آن با هیجان‌اتی مانند خشم، غم، شادی یا ترس است که مستقیماً تحت تأثیر عوامل خارجی بروز می‌یابند. این هیجان‌ات واکنش‌های فوری و ناپایدار به شرایط بیرونی‌اند؛

۳. حالت گذرا و ناپایدار: انفعال معمولاً حالتی موقت و ناپایدار است که پس از فروکش کردن عامل خارجی به وضعیت عادی بازمی‌گردد. در متون فلسفی، این جنبه از انفعال به‌عنوان حالتی غیرراسخ توصیف شده است، برخلاف حالتی که به مرور زمان پایدار می‌شوند (تهانوی، ۱۹۹۶ م: ۱ / ۲۸۴؛ سجادی، ۱۳۷۹: ۱۱۳).

## تبیین الگوی نظری غرور و انفعال

پس از تبیین مفاهیم غرور و انفعال، مرحله بعدی بررسی سازوکارهای مؤثر در شکل‌گیری و گسترش این دو پدیده است. درک نحوه شکل‌گیری و تأثیرگذاری آنها بر رفتار فردی و اجتماعی مستلزم ارائه چهارچوبی تحلیلی است که بتواند پیوندهای درونی و شرایط زمینه‌ای هر یک را روشن سازد. بررسی این عوامل، علاوه بر شناخت بهتر این دو پدیده، به ارائه الگوهای برای مدیریت و کنترل آنها کمک می‌کند. از این‌رو، این بخش به ارائه چهارچوبی نظری برای تبیین فرایند شکل‌گیری غرور و انفعال اختصاص دارد.

### ۱. الگوی نظری غرور

غرور، به‌عنوان یک پدیده روانی و اخلاقی، در بسترهای مختلف فردی و جمعی با سازوکارهای مشخصی شکل می‌گیرد. این پدیده نتیجه تعامل مجموعه‌ای از عوامل درونی و بیرونی است که بر شناخت،

هیجان‌ات و رفتار فرد اثر می‌گذارند. تبیین مکانیسم و الگوی شکل‌گیری غرور با دو رویکرد تکمیل می‌شود: شناسایی خاستگاه آن و تحلیل فرایند فعلیت‌یابی این پدیده.

غرور دارای دو منشأ اصلی است: غرور ناشی از لطف الهی و غرور برخاسته از دستاوردهای انسانی. در غرور به لطف الهی، فرد یا جامعه، به دلیل بهره‌مندی از رحمت الهی، ممکن است به این باور برسد که موفقیتش تضمین‌شده است و نیازی به تلاش و مراقبت ندارد (موسوی خمینی، ۱۳۸۲: ۱۳۲). در این حالت، نوعی خاطرجمعی کاذب ایجاد می‌شود که فرد را از مسئولیت‌پذیری و تقویت بنیه‌های معنوی بازمی‌دارد. این نگرش به‌وضوح در تضاد با منطق قرآنی و سنت الهی است؛ زیرا خداوند همواره نعمت و برتری را با الزام به رعایت اصول اخلاقی و تکالیف دینی همراه ساخته است (بیانات رهبری، ۱۴۰۱/۱/۲۳). این نوع غرور به این معناست که فرد یا گروه، به جای بهره‌برداری صحیح از نعمت‌ها و برگزیدگی الهی، این مواهب را تضمینی برای موفقیت و مصونیت از عقوبت می‌دانند. چنین نگرشی موجب فاصله گرفتن از تلاش، تقوا و مسئولیت‌پذیری می‌شود.

قرآن کریم بارها راجع به خطر غرور به لطف الهی هشدار داده است. در آیه «وَلَا يَغْرَبْكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ» (لقمان / ۳۳؛ فاطر / ۵)، تأکید می‌شود که نباید لطف الهی را دلیلی برای ایمنی از گناه یا عذاب دانست (طباطبایی، ۱۳۵۲: ۱۷ / ۱۷). بهره‌مندی از عنایات و رحمت خداوند همواره مشروط به رعایت الزامات اخلاقی و دینی است و نباید به عاملی برای آسودگی غیرمسئولانه تبدیل شود؛ همان‌طور که آیه «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» (محمد / ۷) به این سنت الهی تأکید دارد. خداوند در آیه «قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا» (بقره / ۸۰) خطاب به بنی‌اسرائیل تأکید می‌کند که باور به مصونیت از عذاب الهی، بدون التزام به تقوا و عمل صالح، باطل است.

در جای دیگر، قرآن به یکی از ادعاهای بی‌اساس یهود و نصاری اشاره می‌کند:

وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ (مائده / ۱۸).

یهود و نصاری گفتند: ما فرزندان خدا و دوستان او هستیم.

این امتیازات موهوم از دید قرآن مردود است و تأکید می‌شود که چنین باورهایی نمی‌تواند افراد را از مسئولیت‌های دینی و اخلاقی معاف سازد.

یکی از نمونه‌های بارز غرور به لطف الهی در تاریخ قوم بنی‌اسرائیل است. قرآن آنان را به‌عنوان قومی برگزیده معرفی کرده است: «وَأَيُّ فَضْلَتِكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» (بقره / ۱۲۲) و «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» (آل عمران / ۱۱۰). با وجود این، غرور به این برتری و بی‌اعتنایی به تکالیف الهی آنان را به ذلت

و مسکنت کشاند: «ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ» (بقره / ۶۱). این نمونه تاریخی هشداری است به تمامی جوامع که غرور به لطف و نصرت الهی، بدون عمل و تقوا، نتیجه‌ای جز سقوط اخلاقی و معنوی نخواهد داشت.

امیرالمؤمنین، علی علیه السلام، نیز تأکید می‌کنند که نصرت الهی تنها در صورت صداقت و عمل‌گرایی محقق می‌شود: «فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ يَدْوُونََا الْكُتُبَ وَأَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ» (ثقفی، ۱۳۹۵: ۲ / ۳۷۳). سنت الهی تغییرناپذیر است و هیچ ملتی، بدون تلاش و حرکت، تغییر مثبتی را تجربه نخواهد کرد (العروسی الحویزی، ۱۴۱۵ ق: ۲ / ۱۹۵). در همین راستا، خداوند در آیه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات / ۱۳) تقوا را به‌عنوان ملاک برتری انسان‌ها نزد خود معرفی می‌کند. تقوا، که به معنای مراقبت دائمی و همه‌جانبه است، اصلی ضروری برای پیشرفت در تمامی عرصه‌های زندگی محسوب می‌شود.

غرور به دستاوردهای انسانی منشأ دوم غرور است. این نوع غرور زمانی پدیدار می‌شود که فرد یا گروه دستاوردهای خود را نتیجه مطلق توانایی‌های فردی یا جمعی بداند و از نقش عوامل فراتر، همچون لطف الهی، غافل شود؛ همان‌طور که در آیه «إِذْ أَعْجَبَتْكُمُ كَثْرَتُكُمْ» (توبه / ۲۵) به این موضوع اشاره شده است. این نوع غرور معمولاً با تأکید بر دستاوردهای گذشته تقویت می‌شود. اعتماد بیش‌ازحد به موفقیت‌ها، بدون درک نقش الهی، احساس خودکفایی و خودمحوری را به همراه دارد. به‌عنوان نمونه، فرد یا گروهی که به موفقیت خاصی دست یافته‌اند ممکن است این دستاورد را تنها به تلاش‌های خود نسبت دهند و از یاد ببرند که موفقیت‌های پایدار همواره نیازمند توکل و تلاش مستمرند. همچنین، ممکن است ناشی از این تصور غلط باشد که دستاوردهای گذشته تضمینی برای موفقیت‌های آینده‌اند. این وضعیت زمینه‌ساز خودبینی و خودشیفتگی، و مانع شناخت ضعف‌ها و تهدیدات می‌شود. در واقع، این نوع غرور از بی‌توجهی به سنت الهی ناشی می‌شود که همواره موفقیت را مشروط به لطف خداوند و تلاش مستمر می‌داند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا يَقُومُ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد / ۱۱).

به همین دلیل، در دعای صحیفه سجادیه آمده است که حتی «صدیقون» نباید دچار اغترار به خداوند شوند: «أَنْتَ يَا إِلَهِي فَأَهْلٌ أَنْ لَا يَعْتَرَّ بِكَ الصَّدِيقُونَ» (الصحيفة السجادية: ۱۷۰). یا در مورد دیگری از دعای صحیفه سجادیه آمده است: «وَالشَّقَاءُ الْأَشَقَىٰ لِمَنْ اغْتَرَّ بِكَ» (همان: ۲۰۸). امام سجاد علیه السلام این نوع غرور را بزرگ‌ترین مصیبت برای انسان می‌داند. بر اساس این دعا، فردی که به لطف الهی مغرور شود، نه‌تنها از تلاش و تقوا بازمی‌ماند، بلکه خود را از سعادت ابدی نیز محروم می‌سازد. این بدین معناست که غرور می‌تواند حتی افراد متقی را به خطا و انحراف بکشاند؛ زیرا خداوند هیچ‌گونه رودربایستی با بندگان ندارد و اگر کسی دچار خطا شود، عواقب آن را خواهد دید.

پس از بررسی خاستگاه‌ها و مؤلفه‌های غرور، می‌توان فرایند شکل‌گیری غرور را این‌گونه ترسیم کرد: موفقیت اولیه ← اعتماد افراطی ← غفلت از واقعیت ← کاهش آمادگی ← شکست ← انحراف از حقیقت ← تشدید شکست‌ها.

روند بروز غرور با موفقیت اولیه آغاز می‌شود. در این مرحله، فرد با دستاوردی ظاهری یا واقعی روبه‌رو می‌شود که اعتماد به توانایی‌های خود را افزایش می‌دهد. این موفقیت اولیه به اعتماد افراطی به خویش منجر می‌شود؛ به‌گونه‌ای که فرد توانایی‌های خود را بیش از حد ارزیابی می‌کند و به جای تداوم تلاش و مراقبت، به داشته‌های خود مغرور می‌شود. در ادامه، این اعتماد افراطی باعث غفلت از واقعیت می‌شود و فرد از تحلیل دقیق شرایط و درک محدودیت‌ها باز می‌ماند.

غفلت از واقعیت به کاهش آمادگی برای مواجهه با چالش‌های بعدی منجر می‌شود؛ چراکه فرد تصور می‌کند موفقیت همیشگی است و نیازی به تلاش مداوم نیست. این کاهش آمادگی سرانجام به شکست منتهی می‌شود؛ اما به جای بازگشت به حقیقت و ارزیابی دوباره، فرد دچار انحراف از حقیقت می‌شود و شکست‌های خود را به عوامل بیرونی یا غیرواقعی نسبت می‌دهد. این انحراف نه‌تنها روند را تکمیل، بلکه آن را تشدید می‌کند و فرد یا جامعه را در مسیر خطاهای پی‌درپی و افزایش ناتوانی قرار می‌دهد.

در غرور ناشی از لطف الهی، فرایند با موفقیت اولیه در قالب نعمات الهی آغاز می‌شود؛ مانند سلامت، جایگاه اجتماعی یا معنوی، و توفیقات شخصی که فرد آنها را نشانه‌ای از قرب الهی می‌داند. این نعمات اعتماد افراطی فرد به جایگاه معنوی خود را به دنبال دارد؛ به‌گونه‌ای که او خود را برتر و بی‌نیاز از تلاش یا مراقبت بیشتر می‌پندارد. نتیجه این اعتماد افراطی غفلت از واقعیت است؛ از جمله فراموش کردن آزمون بودن نعمات یا غفلت از وظایف شرعی و اخلاقی. این غفلت آمادگی فرد برای مواجهه با آزمون‌های الهی را کاهش می‌دهد. با وقوع شکست، فرد ممکن است این شکست را به دیگران یا حتی امتحان الهی نسبت دهد؛ اما به جای بازگشت به حقیقت، وارد انحراف از حقیقت می‌شود؛ مانند احساس بی‌عدالتی نسبت به خداوند یا توجیه اشتباهات خود. این انحراف شکست‌های بیشتری به دنبال دارد و فرد را از مسیر صحیح معنوی دور می‌کند.

## ۲. الگوی نظری انفعال

انفعال، به‌عنوان یک پدیده روانی و اجتماعی، در ابعاد فردی و جمعی بر اساس الگوهای مشخصی شکل می‌گیرد. این پدیده حاصل تعامل عوامل درونی و بیرونی است که به‌طور مستقیم بر ادراک، انگیزه و رفتار افراد اثر می‌گذارد. بررسی سازوکارهای شکل‌گیری انفعال مستلزم دو رویکرد اساسی است: نخست، شناسایی عوامل شکل‌دهنده این پدیده و دوم، تحلیل مکانیسم‌هایی که به تداوم و تقویت آن منجر می‌شوند.

پدیده انفعال عمدتاً از دو منشأ اصلی ناشی می‌شود: فشارهای بیرونی و یأس درونی.

فشارهای بیرونی هنگامی رخ می‌دهند که فرد یا گروه در معرض تهدیدها و چالش‌های مکرر و طاقت‌فرسا قرار گیرند. این فشارها می‌توانند شامل عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی یا حتی فشارهای محیطی خاص در مقیاس فردی باشند. نتیجه اصلی این فشارها تضعیف روحیه و کاهش قدرت تصمیم‌گیری منطقی است. زمانی که افراد یا گروه‌ها احساس کنند ابزارها و منابع کافی برای مقابله با این فشارها در اختیار ندارند، واکنش‌های احساسی و منفعلانه جایگزین کنش‌های فعالانه می‌شود. در آیه «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران / ۱۷۳)، تعبیر «فَاخْشَوْهُمْ» به همین نکته اشاره دارد. پس از جنگ احد، دشمنان تلاش کردند با تهدید و ایجاد ترس، مؤمنین را به انفعال بکشانند (فراء، ۱۹۸۰ م: ۱ / ۲۴۷).

عامل دوم، یعنی یأس درونی، زمانی شکل می‌گیرد که فرد یا گروه، به دلیل ضعف در باور به توانایی‌های خود، به آینده بی‌اعتماد شود. این وضعیت معمولاً نتیجه تجربیات منفی گذشته، شکست‌های مکرر یا نبود چشم‌انداز روشن برای موفقیت است. تمرکز بر ضعف‌ها و نادیده گرفتن دستاوردهای گذشته از عوامل اصلی تقویت یأس درونی است. این حالت به تدریج انگیزه تلاش و خلاقیت را کاهش می‌دهد و به بی‌توجهی و انفعال منجر می‌شود. همچنین، ناتوانی در تمایز میان مشکلات واقعی و بزرگ‌نمایی شده باعث می‌شود افراد یا گروه‌ها تصویری اغراق‌شده از ناتوانی خود داشته باشند. نبود امیدبخشی از سوی محیط یا افراد اثرگذار نیز این حالت را تشدید می‌کند.

فشارهای بیرونی و یأس درونی اغلب در چرخه‌ای تقویت‌کننده بر یکدیگر اثر می‌گذارند. هر یک از این عوامل می‌تواند دیگری را تشدید کند: فشارهای مداوم خارجی یأس درونی را عمیق‌تر می‌کنند؛ و از سوی دیگر، یأس درونی توانایی فرد یا جامعه برای مقابله با این فشارها را کاهش می‌دهد. در صورتی که این دو مکانیسم هم‌زمان تقویت شوند و تدابیری برای مدیریت آنها اندیشیده نشود، فرد یا جامعه ممکن است به انفعال مزمن دچار شود. در چنین شرایطی، توان بالقوه برای ایجاد تغییر مثبت کاهش می‌یابد و فرصت‌ها و ظرفیت‌ها به تدریج از بین می‌روند.

با بررسی ریشه‌ها و مؤلفه‌های انفعال، الگوی شکل‌گیری آن را می‌توان به این صورت ترسیم کرد:  
 فشارهای بیرونی - یأس درونی ← واکنش منفعلانه ← کاهش انگیزه ← یأس ← رکود ←  
 افزایش فشارهای بیرونی ← تشدید انفعال.

این الگو مجموعه‌ای از عوامل و واکنش‌هاست که به صورت متقابل یکدیگر را تقویت می‌کنند. این سیر با دو عامل کلیدی، یعنی فشارهای بیرونی و یأس درونی، آغاز می‌شود که هم‌زمان اعتمادبه‌نفس فرد

یا جامعه را تضعیف، و شرایط را برای ورود به حالت انفعال فراهم می‌کنند. در مواجهه با فشارهای بیرونی و ضعف باور به توانایی‌های خود، افراد یا گروه‌ها، به جای اقدام فعالانه برای بهبود شرایط، واکنش‌هایی منفعلانه نشان می‌دهند. این واکنش‌ها ممکن است به شکل اقداماتی سطحی، تدافعی یا حتی اجتناب از هرگونه تلاش مؤثر بروز کنند. این رفتارها به تدریج انگیزه را کاهش می‌دهند؛ زیرا فرد یا جامعه به این باور می‌رسد که قادر به ایجاد تغییر مؤثر نیست. چنین باوری حس بی‌ثمر بودن هرگونه اقدام را تقویت می‌کند و میل به پیشرفت و تحول را به شدت کاهش می‌دهد. کاهش انگیزه به مرور زمان یأس را عمیق‌تر می‌کند. در این مرحله، نگاه به آینده تیره‌وتر می‌شود و باور به امکان خروج از وضعیت موجود از بین می‌رود. در چنین شرایطی، دستاوردهای گذشته اغلب فراموش، و تمرکز صرفاً بر ضعف‌ها و کاستی‌ها معطوف می‌شود. یأس مزمن در نهایت به رکود منجر می‌شود؛ وضعیتی که در آن افراد یا گروه‌ها از هرگونه تلاش اساسی و برنامه‌ریزی مؤثر دست می‌کشند. این رکود موجب هدررفت ظرفیت‌های موجود برای تغییر و اصلاح وضعیت می‌شود. هم‌زمان با رکود درونی، فشارهای بیرونی نیز افزایش می‌یابد. مشکلات جدید پدیدار می‌شوند یا موانع قبلی بزرگ‌تر و پیچیده‌تر جلوه می‌کنند. در نبود اراده و انگیزه کافی برای مقابله، این فشارها یا بی‌پاسخ می‌مانند یا تنها با واکنش‌های ضعیف روبه‌رو می‌شوند. این روند در نهایت به تشدید انفعال منجر می‌شود. رکود درونی، همراه با افزایش فشارهای بیرونی، فرد یا جامعه را به چرخه‌ای معیوب وارد می‌کند که خروج از آن مستلزم اقداماتی بنیادین و اصلاحی است. در این مرحله، انفعال به تدریج به الگو یا رویه‌ای پایدار تبدیل می‌شود. شکستن این فرایند پیوسته نیازمند تلاش‌های بنیادین در ابعاد فکری، روانی و برنامه‌ریزی است. فرایند انفعال با ترکیب عوامل درونی و بیرونی ادامه می‌یابد؛ از واکنش‌های منفعلانه و کاهش انگیزه تا یأس و رکود، و در نهایت تشدید فشارهای بیرونی. هر مرحله حلقه قبلی را تقویت می‌کند و دشواری خروج از وضعیت انفعال را افزایش می‌دهد.

### تطبیق الگوی نظری غرور و انفعال در جبهه مقاومت

غرور و انفعال مفاهیمی انتزاعی نیستند، بلکه در میدان‌های واقعی، به‌ویژه در عرصه مقاومت، مصادیق روشن و پیامدهای ملموسی دارند. جبهه مقاومت، به‌عنوان یک جریان مبارزاتی در برابر سلطه و استکبار، همواره با چالش‌هایی از جنس این دو پدیده روبه‌رو بوده است. موفقیت‌های پی‌درپی ممکن است زمینه‌ساز غرور افراطی شوند، درحالی‌که شکست‌ها و فشارهای مستمر می‌توانند بذریع یأس و انفعال را در جامعه بکارند. از این‌رو، بررسی نحوه بروز و تأثیر این پدیده‌ها در جبهه مقاومت در شناخت آسیب‌های

احتمالی و طراحی راهبردهای پیشگیرانه نقش اساسی دارد. در این بخش، الگوی نظری غرور و انفعال با نمونه‌های واقعی از جبهه مقاومت تطبیق داده می‌شود تا روشن شود که چگونه این دو عامل می‌توانند مسیر مقاومت را تقویت یا تضعیف کنند.

### ۱. تطبیق الگوی نظری غرور در جبهه مقاومت

غرور، به‌عنوان پدیده‌ای چندبعدی، در سطوح فردی و اجتماعی بروز می‌یابد و جبهه مقاومت نیز از این قاعده مستثنا نیست. چهارچوب نظری غرور بر سه مؤلفه اصلی شامل ظاهر فریبنده و غفلت از حقیقت، اعتماد افراطی به خویشتن، و خطای شناختی یا توهم برتری، و همچنین دو منشأ اصلی، یعنی غرور به لطف الهی و غرور به دستاوردهای انسانی، استوار است. این مدل تحلیلی حلقات پیوسته‌ای دارد که از «موفقیت اولیه» آغاز، و در صورت عدم مدیریت صحیح، به «انحراف از حقیقت و تشدید شکست‌ها» ختم می‌شود. برای تطبیق این الگو با جبهه مقاومت، می‌توان مراحل شکل‌گیری غرور را در یکی از ابعاد مقاومت تحلیل کرد.

جبهه مقاومت بر پایه باورهای دینی و اتکای معنوی شکل می‌گیرد و اعضای آن معمولاً خود را مشمول رحمت و نصرت الهی می‌دانند. اگر این باور به‌درستی مدیریت نشود، ممکن است به این توهم بینجامد که لطف خداوند تضمین‌شده است و نیازی به مراقبت‌های معنوی و اخلاقی نیست. در چنین شرایطی، مؤلفه «ظاهر فریبنده و غفلت از حقیقت» نمایان می‌شود؛ زیرا تمرکز بر این تصور که «ما نیروهای حق هستیم؛ پس، خداوند ما را تنها نمی‌گذارد» افراد را از مسئولیت‌های دینی و اخلاقی بازمی‌دارد. این در حالی است که قرآن کریم بارها بر لزوم مراقبت دائمی و عمل به تکالیف تأکید کرده و در آیه «وَلَا يَغْرَبْكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ» (فاطر / ۵)، درباره چنین توهمی هشدار داده است.

بر اساس فرایند غرور، موفقیت معنوی اولیه (مانند غلبه بر وسوسه‌ها یا دستیابی به خلوص در مراحل ابتدایی مبارزه) ممکن است منجر به «اعتماد افراطی» شود. این اعتماد افراطی فرد یا جامعه را به «غفلت از واقعیت» می‌کشاند؛ از جمله فراموشی اینکه مسیر تقوا و مجاهدت دائمی و نیازمند تلاش مستمر است. در نتیجه، آمادگی کاهش می‌یابد و شکست محتمل می‌شود. با وقوع شکست، ممکن است افراد یا جوامع، به جای ارزیابی کاستی‌ها و بازگشت به حقیقت، دچار «انحراف از حقیقت» شوند و خطاهای خود را به عوامل بیرونی نسبت دهند. در این مرحله، غرور معنوی نه‌تنها توجیه‌گر اشتباهات درونی می‌شود، بلکه گاه بدبینی به لطف الهی را نیز در پی دارد؛ زیرا فرد یا جامعه تصور می‌کنند که خداوند باید بی‌قیدوشرط آنها را یاری کند. این مسیر، در صورت عدم اصلاح، به از دست رفتن انگیزه‌های معنوی و تشدید شکست‌ها می‌انجامد.

در بُعد نظامی نیز، غرور ناشی از دستاوردها می‌تواند همین روند را فعال کند. جبهه مقاومت در عملیات‌های نظامی یا دفاعی گاه به موفقیت‌های چشمگیری دست می‌یابد که نشانه توان سازمانی و شجاعت نیروهایش است. این موفقیت‌ها، اگر با یادآوری مستمر نقش الهی و بازبینی ضعف‌ها همراه نباشند، ممکن است به «اعتماد افراطی به خویش» منجر شوند. بی‌توجهی به محدودیت‌ها و تهدیدات جدید «غفلت از واقعیت» را تقویت می‌کند و آمادگی نیروها را کاهش می‌دهد. جنگ چنین نمونه تاریخی بارزی از این نوع غرور است؛ جایی که مسلمانان، با اتکا به کثرت جمعیت و پیروزی‌های پیشین، دچار خودبسندگی شدند.

در صورت شکست در چنین شرایطی، ممکن است به جای بازنگری در اشتباهات، «انحراف از حقیقت» رخ دهد و توجیهاات بیرونی برای ناکامی ارائه شود. این انحراف زمینه‌ساز «تشدید شکست‌ها» می‌شود؛ زیرا تا زمانی که علت‌یابی دقیق انجام نشود، اصلاح نیز ممکن نخواهد بود. بر همین اساس، رهبران حکیم مقاومت همواره بر اهمیت تواضع و پرهیز از غرور پس از پیروزی‌ها تأکید داشته‌اند. سخن امام خمینی علیه السلام پس از فتح خرمشهر، که فرمودند: «خرمشهر را خدا آزاد کرد»، نشان‌دهنده لزوم یادآوری نقش الهی در تمام مراحل مقاومت است.

در نتیجه، الگوی نظری غرور، با مؤلفه‌ها و مکانیسم منحصر به فرد خود، زمانی در جبهه مقاومت فعال می‌شود که اعتماد افراطی به دستاوردها جایگزین روحیه توکل، مراقبت درونی و تداوم تلاش در مسیر الهی شود. غلبه بر این پدیده مستلزم آن است که جبهه مقاومت در ابعاد مختلف به آموزه‌های دینی مانند محاسبه نفس، اصلاح مستمر رفتار، عبرت‌گیری از تجارب پیشین و تأکید بر لطف و نصرت الهی پایبند باشد. در غیر این صورت، غرور می‌تواند مسیری را بگشاید که به تضعیف معنویت، تشدید شکست‌ها و به خطر افتادن اهداف والای مقاومت، یعنی حفظ عزت و تحقق وعده‌های الهی، منجر شود.

## ۲. تطبیق الگوی نظری انفعال در جبهه مقاومت

انفعال، به‌عنوان وضعیتی روانی و اجتماعی، در شرایطی شکل می‌گیرد که فرد یا جامعه، در مواجهه با عوامل بیرونی یا ضعف‌های درونی، واکنشی غیرفعال و تسلیم‌گونه نشان می‌دهد. این پدیده در ابعاد سیاسی، فرهنگی، نظامی و اقتصادی بروز می‌یابد و تحت تأثیر عواملی مانند فشارهای بیرونی و یأس درونی قرار می‌گیرد. بر اساس الگوی نظری انفعال، سه مؤلفه اصلی (تأثیرپذیری و تغییر، هیجان و واکنش احساسی، و حالت گذرا و ناپایدار) و دو منشأ عمده (فشارهای بیرونی و یأس درونی) شناسایی شده‌اند. این عوامل در یک چرخه تقویتی در هم تنیده‌اند و در نهایت می‌توانند جامعه یا فرد را از مرحله «فشارهای بیرونی - یأس درونی» به «تشدید انفعال» سوق دهند. در ادامه، این الگو را در دو بعد سیاسی

و اقتصادی جبهه مقاومت بررسی می‌کنیم تا نشان دهیم انفعال چگونه می‌تواند سد راه پایداری و عزت باشد و چه پیامدهایی به دنبال دارد.

یکی از مهم‌ترین تهدیدهایی که می‌تواند به شکل‌گیری انفعال در جبهه مقاومت منجر شود فشارهای سیاسی خارجی است. دشمنان، با بهره‌گیری از ابزارهایی همچون تحریم‌های بین‌المللی، فشارهای دیپلماتیک و تهدیدهای نظامی، می‌کوشند مردم را دچار یأس کنند و آنها را از صحنه مقاومت خارج سازند (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۷/۵). بر اساس بیانات رهبر معظم انقلاب، انفعال در برابر دشمن «بدترین و خسارت‌بارترین» حالت ممکن است؛ چراکه به جای ایستادگی فعال و امیدبخش، رویکردی تدافعی یا منفعلانه در پیش گرفته می‌شود (بیانات رهبری، ۱۳۹۸/۱۱/۲۹).

چنانچه فشارهای بیرونی استمرار یابد و اقدامات مؤثری در راستای مدیریتش و مقابله با آن صورت نگیرد، جامعه مقاومت دچار تردید در توانمندی‌های خود می‌شود. این دقیقاً جایی است که یأس درونی آغاز، و اعتمادبه‌نفس ملی سست می‌شود (بیانات رهبری، ۱۳۸۶/۱۰/۱۳). به بیان رهبر انقلاب، «اگر دشمن احساس بکند که شما منفعل و اهل عقب‌نشینی هستید، کوتاه نمی‌آید» (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۳/۱۶). درواقع، عقب‌نشینی و انفعال در برابر مطالبات نامشروع یا زیاده‌خواهی‌های استکبار دشمن را در پیشبرد اهداف خود جسورتر می‌کند و در نتیجه، فشارهای سیاسی افزایش می‌یابد.

هنگامی که جامعه مقاومت، به علت تداوم فشارهای بیرونی، توان بالقوه خود را برای ایجاد تغییر یا اثرگذاری مثبت نادیده می‌گیرد، فضای ناامیدی و بی‌اعتمادی گسترش می‌یابد. در چنین حالتی، مردم و مسئولان ممکن است به این باور برسند که امکان اصلاح شرایط وجود ندارد و تغییر مسیر غیرممکن است. این «یأس درونی» جوهره اصلی انفعال را تشکیل می‌دهد. رهبر انقلاب نیز همواره بر اهمیت خودباوری ملی و پرهیز از تسلط حس ضعف و حقارت در برابر دشمن تأکید داشته‌اند (بیانات رهبری، ۱۳۹۸/۳/۱۴).

نتیجه این فرایند شکل‌گیری چرخه‌ای معیوب است که در آن «واکنش منفعلانه» و «کاهش انگیزه» در برابر مسائل سیاسی زمینه را برای رکود فکری و عملی هموار می‌سازد و هرگونه حرکت فعال یا تحول‌آفرین را به تعویق می‌اندازد.

در حوزه اقتصاد، فشارهای بیرونی در قالب تحریم‌ها، محدودیت‌های تجاری و ایجاد فضا سازی‌های منفی در بازارهای جهانی نمود پیدا می‌کند. رهبر معظم انقلاب، در بیانات مختلف، بر ضرورت پرهیز از شرطی شدن اقتصاد کشور و وابستگی آن به تصمیمات بیگانگان تأکید کرده‌اند (بیانات رهبری، ۱۳۹۸/۲/۱۴)؛ اما اگر جامعه یا مسئولان در برابر این فشارهای خارجی از خود واکنش‌های منفعلانه

نشان دهند، مثلاً در انتظار لغو یا کاهش تحریم‌ها بمانند و از برنامه‌ریزی داخلی برای اتکا به توان ملی غافل شوند، سازوکار انفعال آغاز می‌شود.

بر اساس الگوی انفعال، این فشار اقتصادی بیرونی هنگامی تشدید می‌شود که جامعه یا نظام مدیریتی احساس کند ابزارها و منابع کافی برای مقابله با آن در دست ندارد. در چنین فضایی، «یأس درونی» نیز شروع به گسترش می‌کند و افکار عمومی و بخش‌های تصمیم‌گیر دچار بدبینی و بی‌انگیزگی می‌شوند. این «ناامیدی» اگر مدیریت نشود، منجر به رکود اقتصادی و هدررفت ظرفیت‌های موجود خواهد شد.

یأس درونی در بعد اقتصادی به معنای تضعیف انگیزه پیشرفت، خلاقیت و اتکا به نیروهای داخلی است. نمونه‌ای از این رویکرد متوقف شدن پروژه‌های کلان اقتصادی یا نادیده گرفتن ظرفیت‌های بومی است که به جای حرکت روبه‌جلو، در حالت تعلیق باقی می‌مانند. جامعه‌ای که به انفعال اقتصادی تن دهد ممکن است با کوچک‌ترین تهدید اقتصادی، روند پیشرفت خود را متوقف کند و به جای تشویق کارآفرینی و اقتصاد مقاومتی، مسیر وابستگی بیشتر به عوامل خارجی را برگزیند.

در چنین شرایطی، تعامل فشارهای بیرونی (تحریم‌ها و تهدیدهای اقتصادی) و یأس درونی (بی‌اعتمادی به توانمندی‌های ملی) موجب ایجاد چرخه‌ای تقویت‌شونده می‌شود. واکنش‌های منفعلانه، همچون تعطیلی طرح‌های داخلی، سرمایه‌گذاری نکردن در زیرساخت‌ها یا گره زدن همه امور به نتایج تعامل با بیگانگان، روزه‌روز انفعال را عمیق‌تر می‌کند. رکود اقتصادی، با تشدید فشارهای بیرونی، جامعه را در چرخه‌ای معیوب از انفعال قرار می‌دهد که خروج از آن بسیار دشوار است.

بنابراین، الگوی شکل‌گیری انفعال در جبهه مقاومت به‌وضوح نشان می‌دهد که فشارهای بیرونی و یأس درونی، در صورت هم‌افزایی، می‌توانند روند انفعال را تسریع کنند و جامعه را از مسیر پیشرفت و عزت دور سازند. ابعاد سیاسی و اقتصادی نمونه‌های برجسته‌ای از تأثیر فشارهای بیرونی و یأس درونی‌اند که دشمن با تمرکز بر آنها می‌کوشد جبهه مقاومت را وادار به عقب‌نشینی کند.

### سیستم یکپارچه تعامل غرور و انفعال

تعامل میان غرور و انفعال پدیده‌ای پیچیده و متقابل است که می‌تواند در بافت‌های اجتماعی، سیاسی و نظامی پیامدهای عمیق و گاه مخربی داشته باشد. این سیستم، نه تنها به‌عنوان یک سازوکار خودتقویت‌شونده عمل می‌کند، بلکه با ایجاد پیوندی میان «غرور ناشی از موفقیت» و «انفعال برآمده از شکست»، مسیر آسیب‌پذیری درونی را تقویت، و پایداری جبهه مقاومت را تهدید می‌کند.

این چرخه اغلب با موفقیت‌های اولیه آغاز می‌شود؛ موفقیت‌هایی که به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند

نظامی، اقتصادی یا معنوی، موجب افزایش احساس اعتماد به نفس و افتخار جمعی می‌شوند. این احساس، در صورتی که با تحلیل انتقادی و مراقبت مستمر همراه نباشد، به «غرور افراطی» منجر می‌شود. در چنین وضعیتی، اعضای جبهه مقاومت، با اتکا به دستاوردهای گذشته، دچار توهم برتری می‌شوند و به این باور می‌رسند که موفقیت‌های آینده، بدون نیاز به بازنگری یا تلاش مستمر، تضمین شده است. این باور زمینه‌ساز «غفلت از واقعیت» می‌شود و توانایی شناخت تهدیدها، محدودیت‌ها و ضعف‌ها را به حاشیه می‌برد.

با گذشت زمان و افزایش غفلت، آمادگی برای مقابله با چالش‌های جدید کاهش می‌یابد و جبهه مقاومت، در نبود راهبردهای پیشگیرانه، دچار شکست می‌شود. این شکست‌ها نه تنها روحیه جمعی را تضعیف می‌کنند، بلکه با از بین بردن اعتماد به نفس، دشمنان را در اعمال فشارهای بیشتر جسورتر می‌سازند. در این مرحله، چرخه به نقطه «انفعال» وارد می‌شود؛ حالتی که در آن جامعه یا گروه، به جای ایستادگی فعالانه و راهبردی، به واکنش‌های منفعلانه و تسلیم‌گونه بسنده می‌کند.

یأس و ناامیدی که در این مرحله پدید می‌آید مانع خلاقیت، نوآوری و توان برنامه‌ریزی می‌شود و فضای رکود را تشدید می‌کند. این وضعیت، نه تنها فرصت‌های جدید را از بین می‌برد، بلکه فشارهای بیرونی را نیز افزایش می‌دهد و فرایند انفعال را عمیق‌تر می‌سازد. گاه ممکن است موفقیت‌های موقتی یا ظاهری غرور گذشته را احیا کند، اما این موفقیت‌ها نیز، به جای شکستن چرخه، آن را به نقطه آغاز بازمی‌گردانند و روند تضعیف مجدد آغاز می‌شود.

این سیستم یکپارچه نشان می‌دهد که بدون بازنگری دقیق راهبردها، شناسایی ضعف‌ها و اتخاذ رویکردی متعادل میان توکل و تلاش مستمر، خروج از این فرایند پیوسته ممکن نخواهد بود. جبهه مقاومت، برای حفظ پایداری خود، باید همواره بر بصیرت، مراقبت از پیروزی‌ها، و تقویت انگیزه‌های پایدار تکیه کند. تنها از این طریق می‌توان از ورود به این زنجیره مخرب جلوگیری کرد و مسیر مقاومت را در جهت تحقق اهداف بلندمدت پایدار ساخت.

### راهبرد مقاومت توحیدی در مدیریت غرور و انفعال

نگاه توحیدی، به‌عنوان بنیان تفکر دینی و انقلابی، مهم‌ترین راهبرد برای مدیریت غرور و یأس در جبهه مقاومت است. این نگاه، باور به اینکه همه قدرت‌ها، موفقیت‌ها و حتی سختی‌ها ناشی از اراده و لطف الهی هستند، تضمین‌کننده پایداری و انسجام جبهه مقاومت است. توحید به انسان می‌آموزد که موفقیت‌ها را به خداوند نسبت دهد و در مواجهه با مشکلات نیز به نصرت الهی امیدوار باشد. براین اساس، غرور که ناشی از اعتماد افراطی به دستاوردهای انسانی است و یأس که حاصل تضعیف روحیه و

بی‌اعتمادی به آینده است در سایه تقویت نگاه توحیدی مدیریت و کنترل می‌شوند.

مسئولان عالی‌رتبه جامعه نقش کلیدی در انتقال این نگرش توحیدی دارند. این وظیفه‌ای است که خداوند متعال در آیه «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ» (ابراهیم / ۵) بر دوش حضرت موسی علیه السلام می‌گذارد. امام خمینی قدس سره، رهبر بزرگ مقاومت، بر اساس همین اصل، پس از پیروزی‌های بزرگی همچون آزادی خرمشهر، با تأکید بر اینکه «خرمشهر را خدا آزاد کرد» و استناد به آیات قرآنی مانند «مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ» (انفال / ۱۷)، غرور را از رزمندگان زدودند و توحید را محور شکر و تلاش قرار دادند.

نگاه توحیدی نه‌تنها مانع غرور پس از موفقیت می‌شود، بلکه در سخت‌ترین شرایط نیز، با فراهم آوردن نقطه اتکایی برای بازگشت به مسیر امید و تلاش، یأس را به امید تبدیل، و انسان را به تلاش مستمر تشویق می‌کند. در جبهه مقاومت، این نگرش باید به‌عنوان یک باور عمومی نهادینه شود تا جامعه و نیروهای مقاومت، در مسیر دشوار مبارزه، از خودبینی و انفعال مصون بمانند و بر اساس عمل موحدانه، پیروزی‌های حقیقی و پایدار را رقم بزنند.

قرآن کریم، در مدیریت مقاومت توحیدی، پس از پیروزی، به این اصل اساسی توجه می‌دهد و در آیه شریفه می‌فرماید: «فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ» (نصر / ۳). این آیه به دو بعد کلیدی تأکید دارد که هر دو نقش مهمی در کنترل غرور و پایداری در مسیر مقاومت ایفا می‌کنند: تسبیح و استغفار.

الگوی قرآنی تسبیح و استغفار راهبردی جامع برای مدیریت غرور است که با تمرکز بر ریشه‌های شناختی و روانی آن، مانع بروز یا تشدید غرور می‌شود. تسبیح، با بازگرداندن توجه به قدرت الهی، جذابیت ظواهر فریبنده و اعتماد افراطی به خویشتن را خنثی می‌کند و ذهن را به سوی حقیقت مطلق هدایت می‌کند. درمقابل، استغفار، با پذیرش کاستی‌ها و تأکید بر اصلاح ضعف‌های فردی و جمعی، غفلت از واقعیت و تحلیل ناقص را تصحیح می‌کند و زمینه بازنگری و تغییر را فراهم می‌سازد. این الگو، با تقویت نگاه توحیدی و تواضع، غرور را در تمام ابعادش مهار، و جبهه مقاومت را در برابر آسیب‌های ناشی از آن مصون می‌کند. از این منظر، تسبیح و استغفار نه‌تنها ابزارهای عبادی، بلکه راهبردهایی عملی برای پایداری و موفقیت در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی‌اند.

## نتیجه

برای دستیابی به الگوی پایدارسازی جبهه مقاومت، مدیریت مؤثر غرور و انفعال، به‌عنوان دو چالش بنیادین، امری حیاتی است. غرور در ابتدا ممکن است از موفقیت‌های واقعی یا خیالی ناشی شود؛ اما این

احساس، در صورت افراط، با کاهش آمادگی و غفلت از واقعیت، فرد یا جامعه را به سوی شکست و انحراف سوق می‌دهد. درمقابل، انفعال که ناشی از فشارهای بیرونی و ضعف درونی است، با تضعیف روحیه، کاهش انگیزه و تشدید رکود، جبهه مقاومت را از کنش فعالانه بازمی‌دارد و در برابر زیاده‌خواهی دشمن آسیب‌پذیر می‌سازد.

این دو پدیده نه تنها تأثیرات مخربی در سطح فردی و اجتماعی دارند، بلکه در ارتباطی متقابل، یکدیگر را تقویت می‌کنند: غرور می‌تواند زمینه‌ساز شکست و ورود به فرایند انفعال شود و انفعال نیز، با تولید رکود و آسیب‌پذیری، شرایط بروز غرور کاذب پس از موفقیت‌های موقتی را فراهم می‌آورد. این چرخه معیوب، چنانچه مدیریت نشود، به تضعیف کارآمدی، انسجام و انگیزه در جبهه مقاومت منجر خواهد شد.

راهبرد مقاومت توحیدی، با تأکید بر محوریت اراده و لطف الهی، ابزاری کارآمد برای مدیریت غرور و انفعال در جبهه مقاومت است. این راهبرد از یک سو، با تسبیح، توجه انسان را از ظواهر فریبنده و اعتماد کاذب به خویشتن به سوی حقیقت مطلق الهی معطوف می‌کند و از سوی دیگر، با استغفار، کاستی‌ها و ضعف‌های فردی و جمعی را می‌پذیرد و آمادگی برای تغییر و اصلاح را تقویت می‌کند. توحید، به‌عنوان بنیان این نگرش، غرور را با مهار خودبینی و انفعال را با تبدیل یأس به امید مدیریت می‌کند. این الگوی قرآنی، علاوه بر کنترل پیامدهای روانی و معنوی، تضمین‌کننده انسجام و پایداری جبهه مقاومت است و در سخت‌ترین شرایط، انسان را به تلاش مستمر و امید به نصرت الهی ترغیب می‌کند. تسبیح و استغفار، نه تنها در ساحت عبادی، بلکه به‌عنوان راهبردهایی عملی، جبهه مقاومت را در مسیر پایداری و تحقق پیروزی‌های حقیقی یاری می‌رسانند.

## منابع و مأخذ

- *الصحيفة السجادية* (۱۳۷۶). قم: نشر الهادی.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل (بی تا). *المحکم و المحيط الأعظم*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- احمدنگری، عبدالنبی بن عبدالرسول (۱۳۹۵ ق). *جامع العلوم فی اصطلاحات الفنون*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای:  
<http://fa.khamenei.ir>
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۲). *شرح حدیث جنود عقل و جهل*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

- تهانوی، محمد علی بن علی (۱۹۹۶ م). *موسوعة كشاف اصطلاحات الفنون و العلوم*. بیروت: مكتبة لبنان ناشرون.
- ثقفی، ابراهیم بن محمد (۱۳۹۵). *الفارات*. تهران: انجمن آثار ملی.
- جرجانی، علی بن محمد (۱۳۷۰). *التعريفات*. تهران: ناصر خسرو.
- دیلمی، احمد (۱۳۸۰). *اخلاق اسلامی*. قم: دفتر نشر معارف.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا). *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دار القلم.
- زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دار الفکر.
- سجادی، جعفر (۱۳۷۹). *فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۵۲). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). *مجمع البحرين*. تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی.
- العروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ ق). *تفسیر نور الثقلین*. قم: اسماعیلیان.
- فراء، یحیی بن زیاد (۱۹۸۰ م). *معانی القرآن*. قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۷ ق). *المحجة البيضاء*. قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۴۰۱). *درس‌های اسفار (مباحث قوه و فعل)*. تهران: صدرا.
- مهدی‌پور، آسیه (۱۳۹۸)، تبیین مدل مفهومی مقاومت در اندیشه آیت الله سید علی خامنه‌ای. *دانش سیاسی*، ۱۵ (۲). ۵۶۶-۵۳۹.